نیم‌نگاه

شبه‌جزیره کره روی خط آتش

سیامک طاهری

هنوز انتخابات ریاست جمهوری کره جنوبی پایان نیافته بود که بسیاری از کارشناسان سیاسی به این نتیجه رسیدند که در صورت پیروزی لی میونگ باک در این انتخابات خطر یک درگیری نظامی در منطقه به شدت افزایش می‌یابد. لی میونگ باک در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سیاست‌های رومو هیون رئیس‌جمهور پیشین کره جنوبی در نزدیکی محتاطانه به کره شمالی را به شدت مورد انتقاد قرار داد و با لحنی که به شیوه گفتار در دوران جنگ سرد نزدیک بود این سیاست را تسلیم شدن به باج‌خواهی‌های کره شمالی تفسیر کرد. به این ترتیب با پیروزی او در انتخابات فضای نگران‌کننده‌ای در منطقه ایجاد شد. کره شمالی که همیشه کوشیده از خود یک چهره سرسخت که حاضر به عقب‌نشینی نیست و هر اقدامی را با اقدام مشابهی پاسخ می‌دهد، نشان دهد بی‌هیچ تاملی به اقدام متقابل دست زد و این گونه بود که تنش به همراه جنگ لفظی در روابط طرفین - کره شمالی از یک سو و کره جنوبی و متحد آن امریکا از سوی دیگر- بالا گرفت. درست در چنین شرایطی انفجار مشکوکی در نزدیکی پروانه موتور یک کشتی جنگی کره جنوبی رخ داد و باعث غرق شدن آن و کشته شدن ۴۶ تن از ۱۰۴ سرنشین آن شد. از آغازین ساعت‌های غرق شدن این کشتی ابتدا کره جنوبی و سپس امریکا آن را اقدامی از سوی کره شمالی اعلام کردند. در همان زمان این ادعا از سوی کره شمالی رد شد و این کشور اعلام کرد در این مساله هیچ دخالتی نداشته است. به این ترتیب جنگ تبلیغاتی بین دو طرف بالا گرفت. شکی نیست که کره شمالی در چنین جنگی طرف بازنده خواهد بود و قدرت تبلیغاتی این کشور با قدرت کره جنوبی و امریکا توان برابری ندارد. حتی حمایت محتاطانه چین از این کشور نیز نمی‌تواند به تغییر توازن در دنیای رسانه‌ای که زیر نفوذ گسترده امریکا و متحدانش قرار دارد، بینجامد. اما نبرد تبلیغاتی فقط یک عرصه از مبارزه‌ای است که دو حریف دیرینه در پیش گرفته‌اند. این کارزار عرصه‌های دیگری هم دارد. به همین جهت کره جنوبی و امریکا به حربه تحریم اقتصادی هم متوسل شدند اما این حربه مدت‌هاست که کارایی لازم را ندارد و استفاده از آن نیز بیشتر از زاویه تبلیغاتی مهم است تا کارایی اقتصادی زیرا کره شمالی از زمان جنگ کره و امریکا همیشه در تحریم قرار داشته است و فقط در دوران رومو هیون تا حدودی این تحریم سست شده بود که بلافاصله پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید این سیاست تغییر یافت. واقعیت این است که پس از جنگ کره شمالی و امریکا که به فاصله کمی از جنگ جهانی دوم روی داد تاکنون پیمان صلحی بین طرفین نوشته نشده و فقط یک پیمان آتش‌بس و استرداد اسیران جنگی بین طرفین منعقد شده است. این مساله شرایط وخیمی را در منطقه ایجاد کرده که هر لحظه امکان انفجار آن می‌رود. کره شمالی تقریباً به اندازه نیمی از کره جنوبی جمعیت دارد اما با این وجود توانسته آنچنان ارتش قوی‌ای ایجاد کند که کره جنوبی و امریکا و متحدانش در ناتو تاکنون جرات حمله به این کشور را به خود نداده‌اند. با دستیابی این کشور به بمب اتمی این قدرت افزون‌تر نیز شده است. اما این موفقیت به بهای عقب افتادن این کشور از رشد بالا و نوسازی ساختار اقتصادی این کشور به دست آمده است. در عوض کره جنوبی از سوی امریکا و ژاپن و دیگر متحدانش به یک ویترین کامل از رشد و کالاهای مصرفی و صنعتی در آسیا تبدیل شده است. امریکا و کره جنوبی برای افزایش فشار بر کره شمالی دست به یک مانور جنگی کامل زدند. در این رزمایش ۲۰ زیردریایی و ناو جنگی و ناو هواپیمابر و بیش از ۲۰۰ فروند هواپیمای جنگی و هشت هزار سرباز از ایالات متحده و کره جنوبی شرکت دارند. در مقابل کره شمالی اعلام کرد برای دفاع از خود آماده استفاده از بمب اتمی است. آیا این مانور تنها به دلیل عقب نشاندن کره شمالی است یا هشداری به چین دومین قدرت اقتصادی جهان نیز هست؟ واکنش چین نشان داد که این رزمایش را بسیار جدی تلقی می‌کند. وزارت خارجه چین نسبت به انجام این مانورها ابراز نگرانی و اعلام کرد این مانورها را از نزدیک دنبال خواهد کرد. درست نزدیک به همین منطقه، چین تصمیم به برگزاری رزمایش دیگری گرفته است. آنچه در این منطقه روی می‌دهد بی‌گمان ضربه‌ای به سیاست‌های صلح‌خواهانه و به نفع جنگ‌طلبان جمهوریخواه امریکاست. با پایان یافتن مانورها از دوسو زمان برای صلح‌طلبان گشوده شد. سفر خصوصی جیمی کارتر به کره شمالی نیز فضای مناسبی را ایجاد کرد. پاسخ دوستانه کره شمالی به این اقدام سازش‌جویانه و آزادی یک امریکایی که بدون مجوز و به شکلی مشکوک از مرز دو کره عبور کرده و ظاهراً برای تبلیغ مسیحیت بدون مجوز وارد خاک کره شمالی شده بود - کره شمالی قصد او را جاسوسی اعلام کرده بود- به رفع تنش‌ها کمک شایانی کرد. دومین گام مثبت کره شمالی اعلام آمادگی این کشور برای انجام دور جدید گفت‌وگوها بود. به این ترتیب خرد و درایت بار دیگر کارساز شد و سایه یک جنگ هولناک از سر بشریت دور شد.

بررسی وضعیت سیاسی عراق

بن‌بست سیاسی عامل اصلی تهدید امنیت عراق

ترجمه: جاوید ثمودی

جین عارف خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیتور در گفت‌وگو با شورای روابط خارجی می‌گوید با خروج واحدهای رزمی ایالات متحده امریکا از عراق، بسیاری از مردم عراق حتی کسانی که با حضور نیروهای خارجی در این کشور مخالف بودند نیز در مورد خروج کامل ایالات متحده از عراق در سال ۲۰۱۱ نگران هستند. در کنار دغدغه‌های موجود در مورد توانایی عراق در دفاع از خود پس از خروج کامل نیروهای امریکایی، بسیاری از مردم عراق نسبت به شرایط نامطلوب موجود در عرصه سیاسی کشور خود نگران هستند. عارف معتقد است عراقی‌ها نمی‌توانند میان ایاد علاوی نخست‌وزیر پیشین عراق و نوری مالکی نخست‌وزیر کنونی مصالحه و سازش برقرار کنند. شاید خیلی‌ها تصور کنند که در پشت پرده مذاکرات اتفاقاتی در حال شکل‌گیری است اما به نظر می‌رسد چنین چیزی واقعیت نداشته باشد و مذاکرات در عرصه سیاسی عراق کاملاً متوقف شده است.

- آیا خروج نیروهای رزمی ایالات متحده از عراق تفاوت چندانی در شرایط کنونی این کشور ایجاد خواهد کرد؟

من این‌گونه تصور نمی‌کنم. به نظر من خروج این نیروها تاثیر چندانی در شرایط کنونی عراق نخواهد داشت. به‌نظر من تنها صورت‌مساله عوض شده است. هنوز هم ۵۰ هزار نیروی رزمی در عراق باقی مانده که رقم بسیار قابل توجهی است. تمام تیپ‌های باقیمانده در عراق آماده انجام عملیات رزمی هستند و تنها شکل ماموریت آن تغییر کرده است. بنابراین با توجه به نیروهایی که هم‌اکنون در عراق حضور دارند عقب‌نشینی اخیر تاثیر چندانی بر حضور نیروهای امریکایی نخواهد داشت به خصوص اینکه ایالات متحده از ژوئن سال گذشته به طور جداگانه ماموریت‌های رزمی انجام نداده است. با توجه به موافقتنامه امنیتی‌ای که در دوران ریاست‌جمهوری جرج بوش به امضا رسید، هم‌اکنون بخشی از نیروهای ایالات متحده در حال عقب‌نشینی از عراق هستند. در یک کلام می‌توان گفت پس از خروج نیروهای رزمی هیچ تغییر قابل توجهی در این کشور صورت نخواهد گرفت. آنچه حائز اهمیت است خروج نیروها در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ از عراق است.

- به نظر شما مردم عراق امریکایی‌ها را دوست یا دشمن خود می‌دانند؟ آیا عراقی‌ها از خروج نیروهای امریکایی خوشحال هستند؟ هم‌اکنون ما شاهد یک هرج و مرج سیاسی و امنیتی در عراق هستیم. نظر شما در این مورد چیست؟

هم‌اکنون این رابطه،رابطه عشق و نفرت است. حتی عراقی‌هایی که با حضور نیروهای خارجی در عراق کاملاً مخالف بودند هم‌اکنون با نگرانی و اضطراب خاصی روند کنونی حوادث را دنبال می‌کنند. من وجود اضطراب و تشویش را در گفت‌وگو با مردم عراق کاملاً احساس می‌کنم.

- آیا ایالات متحده در درازمدت همچنان در آسمان عراق حضور خواهد داشت یا سال بعد نیروی هوایی ایالات متحده نیز این کشور را ترک خواهد کرد؟

من وقتی با رهبران سیاسی صحبت می‌کنم تشویش و نگرانی کاملاً در صحبت‌های آنها مشخص است. به باور بسیاری از آنها عراق هنوز هم نمی‌تواند از مرزها و حریم‌های هوایی خود محافظت کند. فرمانده مسوول آموزش نیروهای عراقی در این مورد خاطرنشان کرده است هم‌اکنون در حال مذاکره برای استمرار آموزش نیروهای عراقی توسط نیروهای ناتو هستند. به‌نظر من این موافقتنامه باید جایگزین موافقتنامه امنیتی عراق و ایالات متحده شود. فرض اصلی این است که موافقتنامه احتمالی می‌تواند در نهایت به نفع دولت ایالات متحده تمام شود.

- نگاه عراقی‌ها در مورد حوادث تروریستی که در عراق اتفاق می‌افتد و در آن صدها نفر جان خود را از دست می‌دهند یا زخمی می‌شوند، چیست؟ آیا مردم عراق این اتفاقات را حوادث عادی می‌پندارند؟

شاید این‌گونه باشد، چراکه زندگی در عراق همچنان جریان دارد. مردم کارهای روزمره خود را انجام می‌دهند، و چند ساعت پس از انفجارهای تروریستی مغازه‌هایشان را باز می‌کنند و فرزندانشان را به مدرسه می‌فرستند اما این حوادث اثرات مخربی را نیز در پی داشته است. بسیاری از دکترها، مهندس‌ها و سایر اساتید دانشگاهی که جزء طبقه متوسط جامعه محسوب می‌شوند با نگاهی به تیتر روزنامه‌ها از خود می‌پرسند «چرا باید به عراق برگردم؟ چه چیزی در عراق هست که من باید به خاطرش به آنجا برگردم؟»

- وقتی در خیابان‌های بغداد قدم می‌زنید چه احساسی پیدا می‌کنید؟ آیا احساس امنیت می‌کنید؟

دقیقاً شرایط من شرایط یک نوجوان است. من تنها نمی‌توانم به خیابان بروم. هر زمان که به خیابان می‌روم احساس خطر می‌کنم. یکی دو عراقی همواره مرا همراهی می‌کنند. در واقع من نوعی احساس بلاتکلیفی می‌کنم. وقتی به مغازه‌ها سر می‌زنم، مردم بسیاری را آنجا می‌بینم. این حوادث تروریستی نتوانسته مانع حضور آنها در خیابان‌ها شود. در بسیاری از مغازه‌ها شما وسایل جدید الکترونیکی مدرن پیدا می‌کنید. اما این پیشرفت‌ها بسیار جزیی محسوب می‌شوند چراکه هیچ کس به آینده عراق در کوتاه‌مدت خوش‌بین نیست. بسیاری از مردم معتقدند زمان زیادی طول خواهد کشید تا کشورشان به شرایط مطلوب برسد. خیلی‌ها بر این باورند که در یکی دو سال آینده اوضاع عراق بهبود پیدا نخواهد کرد.

- یکی از مشکلات کنونی که موجب نارضایتی مردم شده است مشکل کمبود برق است. ریشه این مشکلات را در چه می‌بینید؟

واقعاً درک این موضوع برای بسیاری مشکل است. مقامات می‌گویند میزان مصرف برق در ماه‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. هنوز هم بسیاری از پایگاه‌ها و تاسیسات نفتی که در حملات تروریستی تخریب شده‌اند تعمیر و بازسازی نشده‌اند. هنوز هم باید در این بخش‌های زیربنایی سرمایه‌گذاری بیشتری صورت بگیرد.

از طرف دیگر فساد نیز در بخش‌های مختلف ساختار حکومتی عراق وجود دارد. اگر شما با مردم عراق همکلام شوید بسیاری از آنها در مورد فساد بیش از تروریسم نگرانی دارند. دلایل بسیاری می‌توان برشمرد که بودجه تخصیص‌یافته برای اجرای پروژه‌های زیربنایی هیچ‌گاه در این بخش‌ها هزینه نمی‌شود. مردم در بغداد تنها شش ساعت در شبانه‌روز می‌توانند از برق استفاده کنند. در برخی مناطق مردم حتی از این شرایط نازل نیز برخوردار نیستند. البته ما علاوه بر کمبود برق در عراق با مشکل کمبود آب نیز مواجه هستیم. در اوج گرما مردم باید با مشکل بی‌آبی نیز دست و پنجه نرم کنند. شاید بتوان گفت این مشکلات از معضل امنیتی نیز جدی‌تر باشند.

- آیا فساد در میان مقامات عراقی نیز وجود دارد؟ آیا پولی که باید صرف زیرساخت‌ها شود در جاهای دیگر هزینه می‌شود؟

به نظر می‌رسد مقامات حکومتی، معاونان و وزرا در بسیاری از موارد برای انعقاد قرارداد رشوه می‌گیرند و پول‌های دریافتی را از عراق خارج می‌کنند. تقریباً تنها در صورت پرداخت رشوه است که می‌توان نسبت به انجام کاری مطمئن بود. شما تنها با پرداخت رشوه می‌توانید نسبت به ایجاد تاسیسات برق و آب در مدت زمان کوتاه امیدوار باشید.

- ما شاهد نوعی بن‌بست میان نوری مالکی و علاوی دو رقیب عمده سیاسی هستیم؟ پیش‌بینی شما از آینده تحولات سیاسی عراق چیست؟

شرایط کنونی در عراق نه‌تنها برای این کشور بلکه برای کشورهای منطقه نیز بسیار حائز اهمیت است. نکته جالب توجه تغییر مداوم در ائتلاف میان نیروهای سیاسی است. ما در ابتدا شاهد بودیم که برخی مقامات می‌گفتند هرگز با سایر گروه‌ها ائتلاف نخواهند کرد، اما هم‌اکنون همان مقامات می‌گویند که هیچ خط قرمزی در این میان وجود ندارد. در شرایط فعلی بازیگران کنونی همان بازیگران سال‌های پیش عرصه سیاسی عراق هستند. هم‌اکنون نوری مالکی نخست‌وزیر کنونی یکی از اضلاع قدرت است و ابراهیم جعفری یکی دیگر از بازیگران عرصه سیاسی عراق است که سال ۲۰۰۵ نیز نخست‌وزیر عراق بود. علاوی نیز در این بازی حضور دارد که در سال ۲۰۰۴ نخست‌وزیر این کشور بود و همین طور گروه صدر نیز یکی دیگر از جناح‌های حاضر در معادله سیاسی عراق به‌شمار می‌آید. پس مشاهده می‌کنیم هیچ تغییری در بازیگران سیاسی عراق به وجود نیامده است. موضوع مهم تنها نحوه تعامل این بازیگران با یکدیگر است. مدل حکومتی مورد پسند بسیاری، تشکیل دولتی با حضور و نقش توامان مالکی و علاوی است. مالکی یکی از شخصیت‌های برجسته شیعیان عراق و شاید محبوب‌ترین سیاستمدار کنونی باشد و علاوی نیز نماینده طیف مهمی از مردم عراق است. زمانی که عراقی‌ها در ماه مارس به پای صندوق‌های رای رفتند بسیاری این انتخابات را برای ثبات عراق، نیروهای امریکایی و خروج این نیروها از عراق حیاتی می‌دانستند. به نظر می‌رسد مشارکت سنی‌های عراق در حکومت آینده عراق بسیار ضروری است. چه بخواهیم چه نخواهیم علاوی یک شیعه است و بسیاری از سنی‌ها نیز از او حمایت می‌کنند. وی نیز باید در دولت آتی حضور داشته باشد و بسیاری از عراقی‌ها نیز موافق این موضوع هستند. مشکل اساسی این است که مقامات عراقی هیچ‌گاه از مواضع خود کوتاه نمی‌آیند و به مصالحه تن در نمی‌دهند و همه آنها دوست دارند نخست‌وزیر شوند. یکی از پیشنهادات ارائه‌شده در این مورد ایجاد ساختاری بود که از طریق آن بتوان بر سیاست‌های امنیتی و راهبردی نظارت کرد و ریاست این سازمان نیز بر عهده علاوی باشد و مالکی نیز به عنوان نخست‌وزیر عراق انتخاب شود اما مشکل اجرای این راهبرد نیز مغایرت آن با قانون اساسی عراق است.

- بنابراین می‌توان گفت شما نیز نمی‌توانید پیش‌بینی کنید نخست‌وزیر آتی عراق چه کسی خواهد بود؟

من نمی‌خواهم نقش مهم مالکی را در این میان نادیده بگیرم اما وی با گروهی از شیعیان دست به ائتلاف زده است که درخواست‌های آنان در نهایت موجب محدود شدن قدرت مالکی خواهد شد. گروه صدر نیز از وی حمایت نخواهند کرد چراکه وی در گذشته نیروهای وابسته به مقتدا صدر را سرکوب کرده است. این گروه‌های شیعه اعلام کرده‌اند که از ائتلاف با مالکی خارج خواهند شد و از علاوی حمایت خواهند کرد. اما در هر حال نخست‌وزیر کنونی عراق به عنوان یک سیاستمدار کلیدی در صحنه سیاسی عراق باقی خواهد ماند چراکه وی از حمایت مردم عراق برخوردار است. به طور کلی مشخص نیست آیا علاوی از مواضع کنونی خود عقب‌نشینی می‌کند یا مالکی با کاهش اختیارات و قدرت خود به عنوان نخست‌وزیر موافقت خواهد کرد. اما همان طور که قبلاً خاطرنشان کردم بر خلاف آنچه برخی می‌پندارند تحولاتی در پشت‌صحنه سیاسی در عراق در حال شکل‌گیری است اما به نظر من ما هم‌اکنون با بن‌بست سیاسی در عراق مواجه هستیم. گفت‌وگوهایی در جریان است اما هنوز هیچ اتفاق خاصی در این زمینه رخ نداده است.

منبع: شورای روابط خارجی

گزارش

قاچاقچیان مواد مخدر مهم‌ترین عامل خشونت در کلمبیا

نتیجه مطالعات گروهی از کارشناسان کلمبیایی این است که نسل جدیدی از گروه‌های مسلح قاچاق مواد مخدر، اکنون از گروه‌های مسلح چپگرای این کشور پیشی گرفته و به صورت مهم‌ترین عامل خشونت در کلمبیا درآمده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، کارشناسان کلمبیایی می‌گویند این گروه‌ها در ۲۹ استان از ۳۲ استان کلمبیا فعالیت دارند. شمار قابل توجهی از غیرنظامیان در جریان درگیری‌های مسلحانه این گروه‌ها کشته شده‌اند. تشکیل این گروه‌ها پس از تجزیه یک گروه غیرقانونی شبه‌نظامی ارتش موسوم به نیروهای متحد دفاع شخصی کلمبیا (AUC) بود. تجزیه این گروه در سال ۲۰۰۶، یکی از موفقیت‌های آلوارو اوریبه رئیس‌جمهوری سابق کلمبیا محسوب می‌شد. در گزارش کارشناسان کلمبیایی آمده است که پس از تجزیه AUC چندین گروه قاچاق مواد مخدر به سرعت در بیشتر نقاط کلمبیا فعالیت خود را شروع کردند. این گروه‌ها تولید کوکائین و قاچاق آن را با خشونت تمام ولی بدون برنامه سیاسی کنترل می‌کنند. تعداد اعضای این گروه‌ها تا ۱۳ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

تجارت کوکائین هنوز مهم‌ترین منبع تامین هزینه مناقشه‌های مسلحانه است و صدها میلیون دلار مخارج گروه‌های مسلح غیرقانونی را تامین می‌کند. گروه شبه‌نظامی AUC توسط صاحبان املاک و سردسته‌های قاچاقچیان مواد مخدر به منظور مبارزه با شورشیان دست چپی نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (Farc) و نیز ارتش آزادیبخش ملی تشکیل شده بود. گروه فارک که قدیمی‌ترین گروه در میان گروه‌های چپگرای کلمبیاست در سال ۱۹۶۴ تشکیل شد و یکی از ثروتمندترین گروه‌های چریکی جهان محسوب می‌شود. هدف این گروه در بدو امر، نبرد مسلحانه برای تاسیس یک رژیم مارکسیستی در کلمبیا بود ولی در دهه ۱۹۹۰، هنگامی که نیروهای شبه‌نظامی دست راستی AUC به شورشیان فارک حمله کردند، این گروه تاکتیک‌های خود را تغییر داد و به طور فزاینده‌ای برای تامین هزینه مبارزات خود به تجارت مواد مخدر روی آورد. نفرات AUC در قاچاق مواد مخدر به شدت فعالیت داشتند و بدرفتاری با غیرنظامیان از جمله کشتار و مجبور کردن آنان به ترک محل اقامت جزء موارد نقض حقوق بشر توسط این گروه بود. این گروه در اروپا و امریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دارد. آلوارو اوریبه بیش از ۳۰ هزار نفر از اعضای این گروه شبه‌نظامی را مرخص کرد و بسیاری از رهبران گروه برای محاکمه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر به امریکا تحویل داده شدند. اما از روند منحل کردن این گروه به دلیل اینکه اجازه داده بسیاری از جنایات جدی بدون مجازات بماند، انتقاد شده است. همچنین شواهدی در دست است که نشان می‌دهد اعضای سابق این گروه باندهای مسلح جدیدی تشکیل داده‌اند.